

درآمدی بر
تحلیل ساختاری روایت‌ها
و گشتی با فرشته

رولان بارت / ترجمه محمد راغب



درآمدی بر
تحلیل ساختاری روایت‌ها
و
گُشتی با فرشته

- سرشناسه: بارت، رولان، ۱۹۱۵-۱۹۸۰ م.
- عنوان و نام پدیدآور: درآمدی بر تحلیل ساختاری روایت‌ها و کشتی با فرشته/ رولان بارت؛ ترجمه محمد راغب.
- مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۴۰۰.
- مشخصات ظاهری: ۱۰۴ ص: جدول.
- شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۴-۰۳۹۱-۳
- وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
- یادداشت: Introduction a l'analyse structurale des recits عنوان فرانسه
- یادداشت: کتاب حاضر از متن انگلیسی با عنوان «Introduction to the structural analysis of the narrative» و مقاله «The struggle with the angel: textual analysis of genesis 33: 22-32» به فارسی ترجمه شده است.
- یادداشت: واژه‌نامه.
- یادداشت: نمایه.
- موضوع: گفت‌مان روایی
- موضوع: Discourse analysis, Narrative
- موضوع: کتاب مقدس، سفر پیدایش - نقد و تفسیر
- موضوع: Bible. Genesis -- Criticism, interpretation, etc
- موضوع: ساختارگرایی
- موضوع: Structuralism
- شناسه افزوده: راغب، محمد، ۱۳۶۱، مترجم
- رده‌بندی کنگره: P۳۰۲/۷
- رده‌بندی دیوبی: ۴۰۱/۴۱
- شماره کتاب‌شناسی ملی: ۸۴۵۴۲۲۵

درآمدی بر
تحلیل ساختاری روایت‌ها
و
کُشتی با فرشته

رولان بارت
ترجمه محمد راغب



این کتاب ترجمه‌ای است از مقالات:

**'Introduction to the Structural Analysis of Narratives'
&
'The Struggle with the Angel: Textual Analysis
of Genesis 33: 22-32'**

Image-Music-Text, trans. Stephen Heath

Roland Barthes

Fontana Press, 1977



انتشارات قنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،

شماره ۱۱۱، تلفن ۴۰ ۸۶ ۴۰ ۶۶

ویرایش، آماده‌سازی و امور فنی:

تحریریه انتشارات قنوس

* * *

رولان بارت

درآمدی بر

تحلیل ساختاری روایت‌ها

و کشتی بافرشته

ترجمه محمد راغب

چاپ اول

۷۷۰ نسخه

۱۴۰۰

چاپ پارمیدا

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۳ - ۰۳۹۱ - ۰۴ - ۰۶۲۲ - ۹۷۸

ISBN: 978 - 622 - 04 - 0391 - 3

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

فهرست

پیشگفتار مترجم ۷

درآمدی بر تحلیل ساختاری روایت‌ها

درآمد ۱۳

۱. «زبان» روایت ۱۷

۱-۱- فراسوی جمله ۱۷

۱-۲- سطوح معنا ۲۰

۲. کارکردها ۲۵

۱-۲- تعیین واحدها ۲۵

۲-۲- طبقات واحدها ۲۹

۳-۲- دستور کارکردی ۳۶

۳. کنش‌ها ۴۵

۱-۳- به سوی قانون ساختاری شخصیت‌ها ۴۵

۲-۳- مسئله فاعل ۴۸

۴. روایت‌گری ۵۱

۱-۴- ارتباط روایی ۵۱

۵۷	۲-۴- وضعیت روایت
۶۱	۵. نظام روایت
۶۱	۵-۱- تحریف و تفصیل
۶۶	۵-۲- تقلید و معنا

گشتی با فرشته: تحلیل متنی سفر پیدایش ۳۲: ۲۳-۳۳

۷۷	۱. تحلیل پی‌رفتی
۷۸	۱-۱- گذر (آیات ۲۲-۲۴)
۸۲	۱-۲- گشتی (آیات ۲۵-۳۰)
۸۷	۱-۳- نام‌گذاری‌ها یا تغییرها (آیات ۲۸-۳۳)
۸۹	۲. تحلیل ساختاری
۸۹	۲-۱- تحلیل کنشوری
۹۱	۲-۲- تحلیل کارکردی
۹۵	واژه‌نامه انگلیسی-فارسی
۹۹	واژه‌نامه فارسی-انگلیسی
۱۰۳	نمایه نام‌ها

پیشگفتار مترجم

«درآمدی بر تحلیل ساختاری روایت‌ها»^۱ پیش‌تر دو بار در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۹۲ به یاری مؤسسه و انتشارات رخداده نو چاپ شده بود. اینک در چاپ و ویراست تازه، مقاله کمتر دیده‌شده‌ای از رولان بارت به نام «کشتی با فرشته: تحلیل متنی سفر پیدایش ۳۲: ۲۳-۳۳» افزوده شده است. بارت در این مقاله با وجود چشم‌اندازهای ساختاری، به سوی تحلیل متنی حرکت می‌کند. افزون بر این، حرکت نرم او از ساختارگرایی به پس‌ساختارگرایی دیدنی است.

برای ترجمه «درآمدی بر تحلیل ساختاری روایت‌ها» از متن زیر استفاده شده:

Barthes, Roland (1977), 'Introduction to the Structural Analysis of Narratives', *Image-Music-Text*, trans. Stephen Heath, London: Fontana Press.

ترجمه‌های انگلیسی دیگری نیز در دسترس بود:

1. Roland Barthes (1966), 'Introduction à l'analyse structurale des récits', *Communications* 8 (Recherches sémiologiques: l'analyse structurale du récit).

Id (1975), 'Introduction to the Structural Analysis of Narratives', *New Literary History*, trans. Lionel Duisit, Vol. 6, No. 2.

Id (1986), 'Introduction to the Structural Analysis of Narratives', *The Semiotic Challenge*, trans. Richard Howard, Oxford: Blackwell.

Id (1966), *Introduction to the Structural Analysis of the Narrative*, Discussion Paper, Birmingham: University of Birmingham.

برای ترجمه «گشتی با فرشته: تحلیل متنی سفر پیدایش ۳۲: ۲۳-۳۳»^۱ هم از ترجمه‌های زیر کمک گرفته شده:

Id (1974), 'The Struggle with the Angel: Textual analysis of Genesis 32: 22-32', *Structural Analysis and Biblical Exegesis: Interpretational Essays (Pittsburgh Theological Monographs, No 3)*, Trans. Alfred M. Johnson Jr, Eugene, Oregon: Pickwick Publications.

Id (1977), 'The Struggle with the Angel: Textual analysis of Genesis 32: 22-32', *Image-Music-Text*, trans. Stephen Heath, London: Fontana Press.

بارت، رولان (۲۰۰۹)، «الصراع مع الملاك: تحليل نصي لسفر التكوين ۳۲: ۲۳-۳۳»، التحليل النصي، ترجمه عبدالکبیر الشرقاوی، دمشق: دارالتکونین.

موارد فراوانی هم به کمک دوستانم، حسام نقره‌چی و سعید حاج‌صادقی، با اصل فرانسه مقابله شد که از آن‌ها و گالاه هنری برای ویرایش صفحاتی چند سپاسگزارم.

آنچه مترجم انگلیسی، استیون هیت، بر متن فرانسه افزوده میان [] قرار داده شده و آنچه من افزوده‌ام با علامت -م. مشخص شده که به

1. Id (1971), 'La lutte avec l'ange: analyse textuelle de Genèse 32, 23-33', *Analyse Structurale et Exégèse Biblique: Essais d'interprétation*, Neuchâtel: Delachaux et Niestlé.

جهت کثرت توضیحات بارت و مترجم انگلیسی به اندک قناعت شده است. پیش از آغاز متن باید دربارهٔ چند اصطلاح توضیح کوتاهی داد:

روایت:^۱ گاهی به حکایت، گزارش، نقل و ... هم ترجمه شده است، اما به دلایلی همین معادل بهتر است (نک: محمد راغب، «نگاهی به ترجمهٔ زمان و حکایت پل ریکور و مختصری دربارهٔ اصطلاح روایت / حکایت»، پژوهشنامهٔ انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، آذر ۱۴۰۰).

زبان^۲ و «زبان»:^۳ زبان در بیان بارت به پیروی از فردینان دو سوسور به دو بخش «زبان» و گفتار^۴ تقسیم می‌شود (نک: فردینان دو سوسور، دورهٔ زبان‌شناسی عمومی، ترجمهٔ کوروش صفوی (تهران: هرمس، ۱۳۷۸)، ص ۱۵؛ رولان بارت، درس، ترجمهٔ حسام نقره‌چی، «مقدمهٔ مترجم» (تهران: نیلوفر، ۱۳۹۳)، صص ۱۲-۱۳). برای پرهیز از اشتباه متداول میان دو اصطلاح، هر بار که مقصود «زبان» باشد، کلمه داخل گیومه می‌آید (برای نمونهٔ تطبیق این اصطلاحات با اندیشه‌های ناصر خسرو، نک: فرزاد بالو و مهدی خبازی کناری، «ماهیت چندساحتی زبان در اندیشهٔ ناصر خسرو و سوسور»، ادب‌پژوهی، سال ۹، شمارهٔ ۳۱، بهار ۱۳۹۴؛ ناصر خسرو قبادیانی، جامع‌الحکمتین، به کوشش محمد معین و هنری کربن (تهران: طهوری، ۱۳۶۳)، صص ۱۸۴-۱۸۷).

دلالت^۵ و معنازایی:^۶ اولی در زمینهٔ دال و مدلول استفاده می‌شود و دومی را، که تنها سه بار در مقالهٔ «کشتی با فرشته» به کار رفته و در «تحلیل ساختاری روایت‌ها» نیامده است، بیشتر خواننده آفریده است. این فرایند در تحلیل متنی بیشتر بررسی می‌شود (نک: گراهام آلن، رولان بارت، ترجمهٔ پیام یزدانجو (تهران: مرکز، ۱۳۸۵)، صص ۱۳۲-۱۳۳). نمونه‌های دیگری از تحلیل‌های متنی بارت را در آثار زیر می‌توان دنبال کرد:

Barthes, Roland (1970), *S/Z*, Paris: Seuil.

Id (1970), 'L'analyse structurale du récit: à propos d'Actes X-XI',
Recherches de sciences religieuses, 58.

Id (1973), 'Analyse textuelle d'un conte d'Edgar Poe', dans
Sémiotique narrative et textuelle, Paris: Larousse.

محمد راغب^۱

استادیار دانشگاه شهید بهشتی

درآمدی بر
تحلیل ساختاری روایت‌ها

درآمد

روایت‌های جهان بی‌شمارند. روایت، پیش از هر چیز، مجموعه‌ی متنوع عظیمی از انواع ادبی است که خود به‌گوهرها^۱ی مختلفی تقسیم می‌شود. — چنان‌که گویی هر ماده‌ای برای داستان‌های بشر مناسب است تا روایت‌هایش را به آن بسپارد. روایت را می‌توان با زبان مفصل‌بندی‌شده،^۲ گفتاری یا نوشتاری، تصاویر متحرک یا ثابت، ایما و اشاره و آمیزه‌ی بسامانی از همه‌ی این‌گوهرها ابراز کرد؛ روایت در اسطوره، افسانه، حکایت،^۳ قصه، داستان بلند،^۴ حماسه، تاریخ، تراژدی، درام، کمدی، لال‌بازی،^۵ نقاشی (برای نمونه، سنت اورسولا اثر کارپاتیچو)،^۶ پنجره‌های شیشه‌کاری رنگی، سینما، داستان‌های مصور،^۷ اخبار و گفتگو حضور دارد. افزون بر این، روایت بر اساس همین تنوع تقریباً نامحدود شکل‌ها، در هر عصر، در هر مکان و در هر جامعه‌ای حاضر است؛ روایت دقیقاً با خود تاریخ بشر آغاز می‌شود و هرگز هیچ‌جا هیچ مردمی بدون روایت نبوده‌اند. همه‌ی طبقات، همه‌ی گروه‌های انسانی، روایت‌های خودشان را دارند و عموماً افرادی با

1. substances 2. articulated language 3. fable 4. novella/nouvelle

5. mime 6. Carpaccio's *Saint Ursula* 7. comics

زمینه‌های فرهنگی مختلف یا حتی متضاد^۱ از آن روایت‌ها لذت می‌برند. روایت به ادبیات خوب و بد کاری ندارد؛ روایت جهانی، فراتاریخی و فرافرهنگی است؛ روایت وجود دارد درست مثل خود زندگی.

آیا باید از این جهان‌شمولی نتیجه گرفت که روایت بی‌معناست؟ آیا روایت آن‌چنان عام است که جز توصیف فروتنانه چند گونه بسیار خاص - کاری که گاه از عهده تاریخ ادبیات برمی‌آید - هیچ چیزی برای گفتن در مورد آن نداریم؟ پس چطور بر این گونه‌ها تسلط یابیم؟ چطور به خود حق می‌دهیم آن‌ها را از یکدیگر متمایز و شناسایی کنیم؟ چطور بدون ارجاع به یک الگوی عام، رمان در برابر داستان بلند، قصه در برابر اسطوره و درام در برابر تراژدی قرار می‌گیرد (همان‌طور که هزاران بار انجام شده است)؟ هر گفتاری در مورد خاص‌ترین و تاریخی‌ترین شکل‌های روایی متضمن چنین الگویی است. بنابراین بی‌آن‌که جاه‌طلبی سخن گفتن درباره روایت به بهانه جهان‌شمول بودنش کنار گذاشته شود، وجود علاقه‌ای دوره‌ای (از ارسطو به بعد) به شکل روایت منطقی است و طبیعی است که ساختارگرایی نوپا باید این شکل را یکی از اولین دغدغه‌هایش فرض کند. مگر هدف همیشگی ساختارگرایی این نیست که بر بی‌کرانگی گفتارها - با توصیف «زبان» که گفتارها فرآورده‌هایش هستند و از آن تولید می‌شوند - احاطه یابد؟ تحلیلگر در مواجهه با بی‌کرانگی روایت‌ها و تعدد دیدگاه‌ها که آن‌ها را از جنبه‌های تاریخی، روان‌شناختی، جامعه‌شناختی، قوم‌شناختی، زیبایی‌شناختی و... بررسی می‌کند، کم و بیش خود را در موقعیت سوسور می‌یابد که با ناهمگنی^۲ زبان روبه‌رو بود و قاعده‌ای کلی برای طبقه‌بندی و کانونی مرکزی برای توصیف آشفتگی ظاهری پیام‌های منفرد می‌جست. اگر صرفاً به دوران

۱. باید به خاطر داشت که این مسئله درباره شعر و پژوهش، که به سطح فرهنگی مصرف‌کنندگان بستگی دارد، صدق نمی‌کند.

معاصر محدود شویم صورت‌گرایان روس، پراپ و لوی استروس، بازشناسی مسئله غامض زیر را به ما آموخته‌اند: روایت یا صرفاً مجموعه آشفته‌ای از حوادث است که در این صورت هیچ چیزی در مورد آن جز با ارجاع به هنر، قریحه یا نبوغ قصه‌گو (نویسنده) - همه اشکال اسطوره‌ای بخت -^۱ نمی‌توان گفت یا، در غیر این صورت، با سایر روایت‌ها ساختاری مشترک دارد که برای تحلیل گشوده است و مهم نیست چقدر شکیبایی برای گزارش آن لازم است. پیچیده‌ترین صورت تصادفی و ابتدایی‌ترین طرح ترکیبی فاصله زیادی دارند و ترکیب (تولید) روایت بدون ارجاع به نظام ضمنی واحدها و قاعده‌ها غیرممکن است.

پس ساختارهای روایت را کجا بجوئیم؟ بدون شک در خود روایت‌ها. در همه روایت‌ها؟ بسیاری از مفسران با وجود این‌که ایده یک ساختار روایی را پذیرفته‌اند، نمی‌توانند تحلیل ادبی را از الگوی دانش‌های تجربی تفکیک کنند: آن‌ها بدون ذره‌ای ترس می‌خواهند شیوه‌ای کاملاً استقرایی^۲ برای روایت‌گری^۳ استفاده کنند و تحلیل را با مطالعه همه روایت‌های یک گونه، دوره یا جامعه آغاز کنند تا به طرح الگویی عام برسند. بر اساس عقل سلیم، این برداشت عام آرمان‌گرایانه است. خود زبان‌شناسی که تنها باید حدود سه هزار «زبان» را در برگیرد نمی‌تواند چنین برنامه‌ای را اداره کند و هوشیارانه به جانب استنتاج^۴ می‌گراید. در حقیقت، پس از این، زبان‌شناسی شکل می‌گیرد و پیشرفتی چشمگیر می‌کند. حتی موفق به پیشگویی حقایق پیش از کشف آن‌ها می‌گردد.^۵ اکنون تحلیل روایت در مواجهه با میلیون‌ها روایت چگونه

۱. البته نوعی «هنر» قصه‌گو وجود دارد که همان توانایی تولید روایت‌ها (پیام‌ها) از ساختار (رمزگان) است. این هنر با مفهوم کنش زبانی (performance) در دیدگاه چامسکی مطابقت می‌کند و تمایز فاحشی با «قریحه» نویسنده دارد که در چهارچوب نظریهٔ رمانتیک برخی رمز و رازهای شخصی به‌زحمت قابل توضیح تصور شده است.

2. inductive 3. narration 4. deduction

۵. نک: تاریخچهٔ a در زبان هیتی که سوسور آن را فرض کرده بود ولی، در واقع، پنجاه سال

باید عمل کند؟ تحلیل روایت جبراً محکوم به استفاده از شیوه‌ای استنتاجی است؛ در ابتدا به طرح‌ریزی یک الگوی فرضی توصیف ملزم می‌شود (آنچه زبان‌شناسان آمریکایی «نظریه» می‌نامند) و سپس به تدریج از این الگو به سوی انواع روایی مختلف، که هم مطابق و هم مابین الگو هستند، حرکت می‌کند. تنها در سطح همین مطابقت‌ها و مابینت‌هاست که تحلیل توانایی رجوع به انبوه روایت‌ها را با تمایزات تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی‌شان خواهد داشت اما اینک به ابزار توصیفی واحدی مجهز شده است.^۱

بنابراین برای توضیح و طبقه‌بندی انبوه روایت‌ها، نظریه‌ای (در این مفهوم کاربردی) لازم است و ابتدایی‌ترین وظیفه کشف و آغاز تعریف آن است. اگر از الگویی آغاز شود که نخستین حدود و قواعد روایت را فراهم می‌کند، کار بسیار آسان می‌شود. در وضعیت فعلی تحقیق، معقول^۲ به نظر می‌رسد که تحلیل ساختاری روایت به خود زبان‌شناسی به عنوان الگوی پایه‌گذار سپرده شود.

→ بعد کشف شد، همان‌طور که در منبع زیر آمده است:

Emile Benveniste, *Problème de linguistique générale*, 1966, p. 35. [*Problems of General Linguistics*, Coral Gables, Florida 1971, p. 32.]

۱. بیایید شرایط فعلی توصیف زبان‌شناختی را در نظر بگیریم: «... ساختار زبان‌شناختی همیشه صرفاً به داده یا پیکره مربوط نیست بلکه به نظریه دستوری توصیف داده نیز مربوط است.» (E. Bach, *An Introduction to Transformational Grammars*, New York 1964, p. 29.) «پذیرفته شده که زبان باید به عنوان ساختاری صوری توصیف شود، با وجود این، توصیف، پیش از هر چیز، تصریح روندها و ضابطه‌های مناسب را ایجاب می‌کند و دست آخر آن‌که واقعیت عینی از شیوه ارائه توصیف جدایی‌ناپذیر است.»

(Benveniste, op. cit., p. 119 [trans. p. 101].)

۲. اما الزامی نیست. نک: Claude Bremond, 'La logique des possibles narratifs', *Communications* 8, 1966. اکنون مطالعات متنوع بر مبنای این زمینه در مجلدی با عنوان منطق روایت (*Logique du récit*, Paris 1973) گردآوری شده‌اند. کار او مشتمل بر تحلیل روایت بر اساس الگوی جایگزین‌های ممکن است. هر گشتار روایی یا کارکرد، باعث یک مجموعه راه‌حل‌های مختلف ممکن می‌شود؛ وقوع هر یک به نوبت مجموعه جدیدی از جایگزین‌ها را تولید می‌کند.]